



مقدمه

امام آئینه تمام زیبایی هاست جلوه های جمال و جلال ربوبی در سیمای امام درخششی تام و تمام یافته است. امام نمونه انسان کامل در مسیر صعودی و پرواز شکوهمند به سوی نیکی ها و خوبی هاست. آنچه در روایات از صفات و القاب گوناگون برای امام بیان شده، هر یک ظهوری از جلوه های نورانی امامت است که ابعادی از سیمای معنوی و ملکوتی اش را فرا راه حق جویان و عارفان قرار می دهد. بر این اساس به بخشی از صفات هشتمین امام معصوم (علیه السلام) می پردازیم و پرتوی از انوار رضویه را که در نام های آن بزرگوار تجلی یافته است به نظاره می نشینیم.

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبارالرضا می نویسد: امام هشتم (علیه السلام) را با القاب زیر یاد می کردند: 1. رضا 2. صادق 3. صابر 4. فاضل 5. قرۃ العین المؤمنین «نور چشم مؤمنان» 6. غیظ الملحدین «مایه خشم منکران خدا». (1) و در بعضی از روایات به آن حضرت «عالم آل محمد صلی الله علیه و آله» لقب داده شده است. چنانکه از حضرت موسی ابن جعفر (علیه السلام) روایت شده که پدرم جعفر ابن محمد (صلی الله علیه و آله) مکرر به من می فرمود عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله) در نسل توست و کاش من او را می دیدم و او همانم امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. (2)

از آنجا که لقب های «عالم آل محمد صلی الله علیه و آله» و «الرضا» ظهور و شهرتی کامل تر داشته و در روایات معصومین نیز ذکر شده است، بیشتر به توضیح دو صفت مذکور می پردازیم.

الف) عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله)

در کتاب های روایی بر ویژگی علم و دانش آن حضرت تاکید شده است که علاوه بر گفتار پیشین امام صادق(علیه السلام) روایات دیگری نیز آن را بیان می کند. چنانکه در روایات دیگری از امام صادق(علیه السلام) پس از اینکه امتیازات امام موسی بن جعفر(علیه السلام) را بیان می نماید می خوانیم: «يُخْرِجُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ عَوْتَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ غِيَاثَهَا وَ عِلْمَهَا وَ نُورَهَا وَ فَهْمَهَا وَ حُكْمَهَا... قَوْلُهُ حُكْمٌ؛ وَ صَمْتُهُ عِلْمٌ؛ يُبَيِّنُ لِلنَّاسِ مَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ؛ خداوند از نسل فرزندان موسی دادرس و فریادرس این امت و روشنی بخش است و فهم و حکمت امت را متجلی می سازد... سخنش حکم و سکوتش دانش - و روشنگر مسائل مورد اختلاف مردم است.» (3)

و در روایت دیگری امام موسی ابن جعفر می فرماید: رسول گرامی اسلام را خواب دیدم و فرزندم علی را اینگونه برایم وصف نمود «علی ابنک ينظر بنور الله ... قد ملئ حكمة و علما؛ پسرت علی با نور الهی می بیند و از دانش و احکام الهی لبریز شده است.» (4)

اکنون سؤال این است که تمام امامان از این صفت به نحو کامل برخوردار بوده اند چرا تنها امام رضا (علیه السلام) بدان صفت نامگذاری شده است؟

در جواب می توان گفت انتخاب این صفت بر اساس ویژگی و شرایط اجتماعی فرهنگی بوده است که امام هشتم با آن روبرو بوده اند که ائمه پیشین با دید غیبی و اطلاع از آینده آن را برای آن حضرت انتخاب نموده اند. زمان امام رضا (علیه السلام) زمان اوج روآوری جامعه اسلامی به فلسفه و کلام و متون ترجمه شده فلاسفه یونان بود که عقیده شناسان و دانشمندان زیادی در این زمینه ها وجود داشتند، دکتر ابراهیم حسن می نویسد: «زمانی که دولت عباسی روی کار آمد از آنجا که این دولت رو به پارسیان داشت عربان و پارسیان در پایتخت ایشان با هم اختلاط و آمیزش یافتند و خلفا به دانستن علوم یونان و ایران رغبت نشان دادند «منصور» فرمان داده بود تا چیزی از کتابهای بیگانه را ترجمه کنند «حنین بن اسحاق» بعضی از کتاب های «سقراط» و «جالینوس» را برای وی به عربی برگرداند «ابن مقفع» «کلیله» را به عربی درآورد و نیز کتاب «اقلیدس» را ترجمه کرد و جز ابن مقفع بسیاری دیگر از دانشمندان نیز در کار ترجمه متون به زبان فارسی شهرتی یافتند مانند خاندان نوبختیان و حسن ابن سهل «وزیر مامون» و احمد ابن یحیی بلاذری «مؤلف فتوح البلدان» و عمرو ابن فرخان در دوران هارون ترجمه رواجی دیگر یافت:

از بعضی از شهرهای بزرگ روم کتاب هایی به تصرف وی افتاد و او گفت از کتاب های یونان هر چه بیشتر به دست آمد ترجمه کنند تشویقی نیز که بر مکیان از مترجمان می کردند و ایشان را عطاهای خوب می دادند در رواج ترجمه مؤثر بود خود مامون هم ترجمه می کرد او مخصوصا به ترجمه کتابهای یونانی و ایرانی علاقه داشت و کسانی را به «قسطنطنیه» فرستاد تا کتاب های کمیاب فلسفه و هندسه و موسیقی و طب را بیاورند «ابن ندیم» می گوید: میان مامون و پادشاه روم نامه هایی رد و بدل شد و از او خواست تا از علوم قدیم که در خزانه روم بود کتابهایی بفرستد و او پس از امتناع پذیرفت و مامون گروهی را که «حجاج ابن مطر» و «ابن طریق» و «سلما» سرپرست «دارالحکمة» از آن جمله بودند فرستاد تا از آن کتابها هر چه خواستند برگرفتند و چون نزد مامون بردند

دستور داد تا آنها را به عربی برگردانند و آنان نیز این کار را کردند.» (5)

از طرف دیگر قبول ولایتعهدی از جانب امام رضا (علیه السلام) به دلائلی که در محل خویش بیان شد موجب شهرت و رویارویی حضرت با مکاتب و ادیان مختلف در سطحی گسترده گشت. البته آنچه از روایات استفاده می شود این است که مامون این مناظرات را جهت درهم شکستن شخصیت علمی امام و در نتیجه بی اعتمادی شیعیان به امام خودشان تربیت می داد. چنانکه مامون به «سلمان مروزی» متکلم معروف خراسان گفت: «انما وجهت الیک لمعرفتی بقوتک و لیس مرادی الا ان تقطعه عن حجة واحدة فقط» بدین جهت به تو پیشنهاد مناظره دادم که قوت علمی ترا می شناسم و قصد من جز این نیست که در یکی از استدلالها راه را بر او ببندی (6) اما برخلاف نظر مامون جلوه های علمی امام (علیه السلام) بیشتر می گشت و شایستگی اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر مردم و دانشمندان آشکارتر می شد. چنان که خود امام (علیه السلام) به «نوفلی» فرمود: «فاذا قطعت کل صنف و دحضت حجتہ و ترک مقالته و رجع الی قولی علم المامون ان الموضع الذی هو بسبیلہ لیس بمستحق له»

هنگامی که بر هر گروهی راه استدلال را بر بندم و استدلالشان را باطل کنم، مامون خواهد فهمید که شایستگی آن جایگاه که انتخاب کرده است ندارد. (7)

جهت روشن تر شدن موضوع به نمونه ای از مناظرات امام در زمینه یکتایی خداوند می پردازیم:

مناظره امام و جاثلیق مسیحی

در این مناظره حضرت رضا (علیه السلام) به روشی شگفت و زیبا دانشمند مسیحی را وادار به پذیرش یکتایی خدا می کند و توحید را از طریق آنچه مورد قبول آنان است، اثبات می فرماید. بدین گونه که حضرت در اثناء مناظره فرمود: «من هیچ گونه ناپسندی از عیسی (علیه السلام) سراغ ندارم مگر آنکه نماز و روزه حضرتش اندک بود.» دانشمند مسیحی برآشفته و گفت: «دانش خویش را ضایع کردی زیرا عیسی همیشه روزها را روزه و شبها به عبادت می گذراند.» حضرت فرمود: «برای کسی نماز و روزه انجام می داد.» در اینجا کلام دانشمند مسیحی قطع گشت و از سخن باز ایستاد زیرا متوجه شد که قبول نماز و روزه از حضرت عیسی که در کتاب هایشان نیز آمده است بیانگر این است که آن حضرت خود را بنده خداوند می دانسته است؛ سپس حضرت فرمود: «چرا نمی پذیری که حضرت عیسی با اذن خدا مرده را زنده می کرد؟» دانشمند مسیحی در پاسخ گفت: «از این جهت که کسی که مرده را زنده می کند و کور مادرزاد و پیس را خوب می کند او خدا است و شایسته پرستش است.» حضرت فرمود: «الیسع پیامبر همین کار عیسی را انجام داده است روی آب راه رفت و مرده زنده کرد و کور مادرزاد و پیس را خوب کرد مردم او را خدا نگرفتند و حزقیل پیامبر نیز آنچه را از عیسی صادر شده است انجام داد و سی و پنج هزار نفر را زنده کرد. و ابراهیم خلیل الرحمن چهار مرغ را ریزه ریزه کرد و هر قسمتی را بر سر کوهی نهاد و مرغان را صدا کرد و همه به سوی او آمدند و موسی بن عمران که با هفتاد نفر از اصحاب خود به سوی کوه «طور» رفته بودند، پس از اینکه گفتند که ما هرگز به تو ایمان نیاوریم مگر اینکه خدا را آشکارا به ما بنمایی. صاعقه آنها را فرو گرفت و همگی سوختند. موسی عرضه داشت؛ پروردگارا من هفتاد نفر از بنی اسرائیل را برگزیدم

اگر تنها مراجعه کنم و این خبر را به آنان بدهم مرا تصدیق نخواهند کرد پس خداوند همه آنان را زنده ساخت. ای جاثلیق هیچ یک از آنچه را که بیان شد، نمی توانی منکر شوی زیرا که اینها در تورات و انجیل و زبور و قرآن ذکر شده است اگر هر کس مرده ای زنده کرد و خوب نماید کورمادرزاد و پیس و دیوانگان را شایسته پرستش باشد پس تمامی اینها راخدایان خود بگیر، چه می گویی؟»

جاثلیق گفت: «حق با شماست و جز خدای یکتا خدایی نیست.» (8)

بر همین اساس حضرت رضا (علیه السلام) به «غیظ الملحدین» - مایه خشم کافران - نیز یاد می شد زیرا بحث های علمی و کلامی حضرت موجبات اضطراب و فرو ریختن پایه های استدلالی کافران و منکران خدا را فراهم می ساخت و همین نهضت علمی و گستره وسیع آن بود که سبب شد شیعه برای همیشه راه خویش را بشناسد و چنان شد که اگر فردی تا امام رضا (علیه السلام) امامت را پذیرفته باشد به بقیه امامان نیز اعتقاد دارد و مسلک های واقفیه و فطحیه که معتقد به شش امام و یا امامت عبدالله افطح می شد مربوط به وضعیت و شرایط اجتماعی امامان پیشین می گردد که ستمگران خفقان شدیدی را برای رسیدن پیام اهل بیت (علیهم السلام) ایجاد نموده بودند.

ب - رضا (علیه السلام)

شیعیان و مسلمانان آزاده پس از دوران حکومت امام علی و فرزند بزرگوارش امام مجتبی (علیهما السلام) همواره آرزوی حاکمیت اهل بیت را در دل زنده نگه می داشتند و به آرزوی دستیابی به آن مبارزات خویش را سامان می دادند و گاه در شکل قیام های خونین همچون قیام زید بن علی و شهید فخر، آرمان خویش را تجسم می بخشیدند و بر اساس همین آرمان ابومسلم خراسانی مردم را با شعار «الرضا من آل محمد صلی الله علیه و آله» به مبارزه علیه امویان فرا می خواند و مخالفین خویش را به تسلیم در برابر حاکمیت رضای آل محمد (صلی الله علیه و آله) فرا می خواند چنانکه طبری می نویسد: ابومسلم به ابی منصور طلحة ابن رزیک دستور داد مردم را به رضای آل محمد (صلی الله علیه و آله) فرا خواند بدون اینکه از فردی خاص نام ببرد. (9) و به فرستادگان خویش به سوی یکی از مخالفین خویش به نام نصر ابن سیار توصیه کرد «یدعوه الی کتاب الله و الطاعة للرضا من آل محمد (صلی الله علیه و آله)» او را به کتاب خدا و اطاعت رضای آل محمد فرا خواند. (10) حتی پرچمی که برافراشتند همین نقش را داشت تا مردم جهت گیری مبارزات آنها را انتخاب برگزیده آل محمد (صلی الله علیه و آله) دانسته و با آنان همکاری کنند مردم نیز همکاری زیادی با آنان نمودند اما برعکس مشاهده کردند که افرادی رهبری را به عهده گرفته اند که مرام و هدفشان بیگانه با اهداف رسول گرامی و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد تا زمانی که ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) مطرح شد و سکه بنام آن بزرگوار زده شد در این هنگام شیعه و دوستداران اهل بیت گمشده خویش را بازیافتند و او را مورد پسند یافتند و با دل و جان احساس نمودند که این همان رضای آل محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد.

جهت دیگر این نامگذاری اینکه موافق و مخالف و دوست و دشمن در مقابل عظمت و خلافت رضوی گردن نهادند و حضرتش مورد پذیرش همگی قرار گرفت بدین جهت او را رضا نامیدند زیرا که همگی با بیعت خویش خوشنودی

خویش را از ولایتعهدی حضرتش اعلام داشتند. البته آنچه از برخی روایات استفاده می شود که خداوند متعال او را رضا نام نهاده است، منافاتی با این تحلیل ندارد زیرا که می توان نامگذاری خداوند را بر اساس همین موقعیت و شرایط اجتماعی دانست که برای حضرت رضا (علیه السلام) پیش آمد و از طرفی اعلام و اشاره به این جهت دانست که خداوند نیز از این ولایتعهدی حضرت خوشنود می باشد چنانکه متن روایت به روشنی بر آنچه گفته شد دلالت دارد. بزنتی می گوید: از امام جواد (علیه السلام) سؤال کردم که عده ای از مخالفین شما چنین می پندارند که مامون پدر بزرگوارتان را رضا نامید زیرا به ولایتعهدی اش راضی گشت حضرت در پاسخ اظهار داشتند بخدا قسم که دروغ گفته اند بلکه خداوند او را «رضا» نامیده است زیرا مورد خوشنودی او در آسمان و مورد خوشنودی رسول گرامی و ائمه معصومین (علیهم السلام) در زمین قرار گرفته است سپس بزنتی می گوید از آن حضرت سؤال کردم مگر نه این است که هر یک از پدران بزرگوار شما مورد خوشنودی خدا و رسول و ائمه بعد از آن بزرگوار بوده اند پس چرا پدر بزرگوارتان به این نام اختصاص یافته است. حضرت فرمود: زیرا که مخالفین از دشمنان به او رضایت دادند چنان که موافقین از دوستانش به او راضی گشتند و این جهت برای پدران بزرگوارش تحقق نیافت بدین جهت آن حضرت «رضا» (علیه السلام) نام گرفت. (11)

ج) صابر:

قرآن کریم صبر را به عنوان عامل و زیربنای راستین امامت و شایستگی آن قلمداد می کند و می فرماید: (وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا)؛ «ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به دستور ما هدایت می کنند بخاطر اینکه صبر را پیشه خود ساختند.» در زندگی امام رضا (علیه السلام) نیز تجلی این صفت را به روشنی درمی یابیم که در اینجا به دو نمونه از آن اشاره می کنیم:

الف - تدبیر و اندیشه الهی امام رضا (علیه السلام)

مامون را در رسیدن به اهدافش ناکام گذاشت و شخصیت آن حضرت را در دیدگان عظمت بیشتری بخشید بدین جهت مامون در صدد آزار حضرت برآمد و حرکات حضرت را زیر نظر گرفت تا بموقع علیه آن بزرگوار توطئه خویش را عملی سازد. مرحوم صدوق می نویسد: مامون، هشام ابن ابراهیم راشدی را به عنوان جاسوس و دربان حضرت گماشت و دسترسی به آن حضرت پیدا نمی کرد مگر کسانی که آنها دوست می داشتند «و ضیق علی الرضا (علیه السلام) فکان من یقصده من موالیه لا یصل الیه»؛ آنقدر بر حضرت سخت گرفتند که دوستان آن بزرگوار نمی توانستند به خدمت حضرتش برسند و هیچ سخنی در خانه حضرت بیان نمی شد مگر اینکه هشام آن را به

مامون و «ذوالریاستین» منتقل می کرد. (12)

ب - اباصلت هروی می گوید که من در سرخس به هنگامی که حضرت در زندان بودند به حضورش رسیدم از زندانبان اجازه خواستم گفت: بخاطر اشتغال فراوان حضرت به عبادت ملاقات میسر نمی شود. از او خواستم پیام مرا برساند و وقتی را برای من مقرر کند حضرت اجازه فرمود وارد شدم در حالی که در محل نماز خویش در حال تفکر نشسته بودند به حضرتش گفتم از شما اینگونه شایع شده است که مردم بندگان شما هستند حضرت فرمود خدایا ای خالق آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار تو شاهی که هیچ وقت این را نگفته ام و از پدران خویش نیز این را شنیده ام: «و انت العالم بما لنا من المظالم عند هذه الامة» تو خود دانایی به ستم هایی که از این امت بر ما می رسد. (13)

و این ها بخشی از سختی ها و مشکلاتی بود که فراء راه قرار می گرفت و آن حضرت با صبر و حوصله مخصوص به خویش آن را تحمل می کرد - درود و صلوات خدا بر آن بزرگوار زمانی که در یازدهم ذی قعدة سال 148 تولد یافت و زمانی که خورشید وجودش در قریه سناباد به خاک آرمید و هنگامی که در قیامت مبعوث شود و به دیدار زائران کویش بشتابد و آنان را شفاعت کند. به امید آن روز

والسلام

پی نوشت ها:

- 1- عیون اخبارالرضا، ج 2، ص 250. نقل از بحارالانوار، ج 49، ص 9.
- 2- منتهی الآمال، ج 2، ص 256. فصل اول در ولادت امام رضا(علیه السلام).
- 3- بحارالانوار، ج 48، ص 12.
- 4- بحارالانوار، ج 48، ص 13.
- 5- تاریخ سیاسی اسلام، ج 2، ص 296.
- 6- بحارالانوار، ج 49، ص 178.
- 7- بحارالانوار، ج 49، ص 175.
- 8- بحارالانوار، ج 10، ص 303.
- 9- تاریخ طبری، ج 6، ص 49.
- 10- تاریخ طبری، ج 6، ص 45.
- 11- بحارالانوار، ج 49، ص 4.
- 12- عیون اخبارالرضا، ج 2، ص 154. نقل از بحارالانوار، ج 49، ص 139.
- 13- بحارالانوار، ج 49، ص 170.

منبع : فرهنگ کوثر، شماره 12